
طرح یک مناقشه؛ بازخوانی وجه هنری فتوت نامه ها از منظر اندیشه سنت‌گرا

احمد رضا ابراهیمی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۳۰

چکیده

در اندیشه موسوم به سنت‌گرا- بر مدار قرائتی که دکتر نصر ارائه کرده است- تفکیک میان سه نوع هنر ضروری است. بر اساس این نگاه:

الف) هنر مقدس دارای منشأ و حیانی بوده و از جانب خداوند و به واسطه فرشتگان، قدیسان و پیشوایان مذهبی شناخته شده بر انسان نازل شده تا نشانه‌ای بر امر قدسی، که همان ملکوت الهی است، باشد.

ب) در هنر سنتی، نشانه‌هایی از مضامین، تعالیم و روح امر قدسی وجود دارد؛ اما این هنر مستقیماً از سوی خدا یا به واسطه ملائکه و قدیسان عرضه نشده و در پیدایش آن، خلاقیت انسان عاملیت داشته است. البته هنرمندان این مشرب، خود را در مسیر خواست و هدایت امر قدسی قرار داده و در عالم سنتی زیسته‌اند.

ج) هنر دینی، در معنای مصطلح فرهنگ معاصر، صرفاً به یکی از موضوعات مورد توجه دین پرداخته و آن را با صورتی که با مبانی سنت‌گرایان منطبق نیست، ارائه می‌کند. در این مورد ممکن است آنچه به صورت عرفی و تسامحی، هنر دینی خوانده می‌شود، در جهت دور کردن مخاطب از حقیقت امر قدسی بوده و زدودن تعالیم سنتی را در پی داشته باشد.

حال پرسش مطرح در مقاله حاضر این است که هنر مطرح در فتوت‌نامه‌ها، با کدام یک از موارد سه‌گانه فوق انطباق می‌یابد؟ از نگاه نگارنده، فتوت‌نامه‌ها در طرح هنر قدسی کامیاب نبوده‌اند و به شرحی که خواهد آمد، در میانه هنر سنتی و هنر دینی گام برداشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: فتوت‌نامه، هنر مقدس، هنر سنتی، هنر دینی

مقدمه

فتوت‌نامه‌ها از متون پرسابقه و تاثیرگذار در فرهنگ اسلامی- ایرانی بوده‌اند. با این حال، این آثار غالباً با نگاهی صرفاً اخلاقی و یا با تحلیل عرفانی مورد توجه قرار گرفته‌اند. اما با توجه به این که هنر اسلامی و ایرانی در قالب‌هایی همچون معماری، چیت‌سازی و... در مهد آموزه‌هایی همچون فتوت‌نامه‌ها به دوران درخشان خود رسیده‌اند، لازم است این متون بار دیگر و با هدف دریافت پاسخی برای مسائل مطرح در جهان هنر- که امروزه سهمی را در عرصه‌های فلسفی کسب کرده است- مورد بازخوانی قرار گیرند.

از سوی دیگر، تفکر موسوم به سنت‌گرایی، طی سال‌های اخیر از رونق‌نمایی برخوردار بوده و ضمن تولید گفتمانی منسجم در باب هنر اسلامی، موافقان و منتقدان خود را به گفتگو در باب اندیشه و فرهنگ اسلامی و سرچشمه‌های آن فراخوانده است. در نگاه نخست چنین به نظر می‌رسد که آنچه سنت‌گرایان در باب هنر نگاشته‌اند، با تعالیم مندرج در فتوت‌نامه قرابت داشته و از این حیث این دو میراث، قابل سنجش، مقایسه و تناظریابی هستند. اما دقت در اصطلاحات به کار رفته در آثار سنت‌گرایان- در این جا مشخصاً سید حسین نصر- گاه تشخیص انواع هنر و فهم معیار ارزش‌گذاری آثار هنری را با دشواری همراه کرده و دقتی بیش‌تر را در بیان نظریه‌ای در باب «نسبت هنر سنت‌گرا با هنر فتوت‌نامه‌ای» مطالبه می‌نماید.

در این مقاله تلاش خواهیم کرد تا ابتدا تصویری را که دکتر نصر به نمایندگی سنت‌گرایان از هنر ارائه کرده است، مورد تحلیل قرار داده و با ادبیات آنان در بحث از هنر و زیبایی همراه گردیم. در گام دوم، آموزه‌ای را که فتوت‌نامه‌ها در باب هنر عرضه کرده‌اند، به مخاطب منتقل می‌نماییم و در ادامه این مسیر، به مقایسه نگرش سنت‌گرا و قرائت فتوت‌نامه‌ها از هنر و زیبایی خواهیم پرداخت. بازخوانی انتقادی نظرات مطرح شده و تأمل در مبانی، مصطلحات و مدعیات موجود در ادبیات سنت‌گرایان و فتوت‌نامه‌ها، فراز پایانی این متن خواهد بود.

۱. انواع هنر در اندیشه سنت‌گرا

مطابق بیان دکتر نصر، «سنت» حقایق یا اصولی است که دارای منشأ الهی بوده و بر بشر الهام شده است. (نصر، ۱۳۸۸: ۵۸) در جهانی که لبریز از حضور سنت است، ارتباط هنر، معرفت و معنویت در کثیری از اشکال فرهنگ سنتی ایران دیده می‌شود و از فلسفه سهرودی تا شعر حافظ، از موسیقی سنتی ایرانی تا اعمال و مناسک دینی روزمره را در بر می‌گیرد. (نصر، ۱۳۸۳: ۲۸۳) از همین منظر می‌توان موسیقی سنتی ایرانی را اسرار الست دانست (نصر، ۱۳۸۲: ۱۱۹) و با استناد به اسم جمیل خداوند، زیبایی را از بیخ و بن مقدس‌نامید (جهانبگلو، ۱۳۸۹: ۳۴۴). این در حالی است که به باور دکتر نصر، میان هنر دینی و هنر سنتی تمایز وجود دارد و البته میان هنر سنتی و هنر مقدس نیز تفاوت ظریفی برقرار است. با نگاه به مجموعه سخنان نصر، می‌توان تفاوت این سه هنر را چنین تشریح کرد:

الف) هنر مقدس: این هنر دارای منشأ وحیانی بوده و از جانب خود خداوند و به واسطه فرشتگان یا قدیسان و پیشوایان مذهبی شناخته شده بر انسان نازل شده است. این هنر واجد صبغه آیینی بوده و با مناسک مخاطبان اولیه و پیروان فعلی خود پیوند می‌یابد. مصادیق این هنر را می‌توان هنر خوشنویسی و تلاوت قرآن برای مسلمانان و هنر شمایل‌سازی مقدس برای مسیحیان و مواردی از این دست دانست. به این ترتیب پیروان ادیان مختلف، هر یک دارای هنری مقدس هستند که درک فرآیند نزول و کارکرد مذهبی آن مشروط به شناخت آن دین است (نصر، ۱۳۸۹: ۷۹).

ب) هنر سنتی: این هنر هرچند با هنر قدسی همراه بوده و کارکردی متناسب با آن را بر عهده دارد، اما از جهت منشأ پیدایش و کارکرد مذهبی، از هنر قدسی متفاوت است. هنر سنتی از جانب خود خداوند یا به واسطه ملائکه و قدیسان نازل نشده و در آفرینش آن، خلاقیت انسان‌هایی که خود را در مسیر خواست و هدایت امر قدسی قرار داده و در عالم سنتی زیسته‌اند، عاملیت داشته است. در این هنر، که نمونه آن را می‌توان در مینیاتور ایرانی سراغ گرفت، هدف از آفرینش هنری، توجه به امر قدسی است. اما این توجه، حاصل تلاش



تدوین شده است. در این متون، اصناف فتوت، با محوریت پیشه و حرفه از یکدیگر مجزا شده‌اند و از همین روست که امروزه فتوت‌نامه‌های زیادی پیرامون اصناف مختلف در دست است. این امر بدان خاطر بوده که در گذشته فتوت در میان اهل صنوف مختلف رواج داشته و هر یک از صنوف برای خود فتوت‌نامه جداگانه‌ای تنظیم کردند (کربن، ۱۳۸۳: ۹).

از حیث تاریخی، نخستین فتوت‌نامه‌ای که به شرح خصوصیات اهل فتوت می‌پردازد، کتاب *الفتوة* تألیف ابو عبدالرحمن سلمی (۳۳۰-۴۱۲ ق) بوده که به زبان عربی نگاشته شده است. از این رو، می‌توان ابو عبدالرحمن را اولین عارف یا صوفی‌ای معرفی کرد که به تشریح اصول جوانمردی و خصوصیات صاحبان فتوت پرداخته است (پورجوادی، ۱۳۷۲).

با ذکر این درآمد کوتاه، در ادامه می‌کشیم تا نگرش فتوت‌نامه‌ها را نسبت به خاستگاه، ارزش و غایت هنر توصیف نماییم.

۲.۱. منشأ و ارزش هنر

در نگاه نخست به نظر می‌رسد که نویسندگان این متون نیز همراه با سنت‌گرایان، منشأ هنر را در عالم قدس دانسته و پیامبران و قدیسان را آورندگان اوصاف و صناعات متصف به فتوت معرفی می‌کنند. ابو عبدالرحمن سلمی در همان ابتدای فتوت‌نامه خود، که ذکر آن گذشت، آدم ابوالبشر را به‌عنوان اولین کسی که دعوت فتوت را اجابت کرد، معرفی می‌نماید: «پس اولین کسی که اجابت کرد دعوت فتوت را آدم ابوالبشر و بدیع الفطره بود. هابیل به فتوت مقبول افتاد چنان‌که قابیل از آن مردود شد، شیث حق فتوت را ادا کرد و از هر پلیدی آن را بپیراست. ادریس بدان به جایگاه عالی رسید و از نیرنگ ابلیس رهایی یافت» (سلمی، ۱۳۸۵: ۱۸).

البته تاریخچه فتوت در برخی از فتوت‌نامه‌های دیگر حتی به زمانی طولانی‌تر باز می‌گردد. بعضی از فتوت‌نامه‌نویسان معتقدند که خداوند فتوت را قبل از آدم خلق کرده و اساساً بهشت با نور فتوت آراسته شده است. چنان‌چه می‌خوانیم: «اما راویان ما تقدم چنین روایت کرده‌اند که فتوت را خدای تعالی پیش از آدم آفریده

انسان است، نه محصول وحی و القاء خداوند. در واقع، همه هنرهای مقدس، هنر سنتی هستند؛ اما همه هنرهای سنتی، لزوماً هنر مقدس نخواهند بود (همان).

چ) هنر دینی: در این هنر- که نمونه‌های آن را در دو سبک باروک و روکوکو، یا به طور کلی تصویرسازی طبیعت‌گرایانه از اشخاص یا پدیده‌های مقدس می‌توان یافت- هنر به موضوع دین پرداخته و یکی از تعالیم یا مضامین دینی را ارائه می‌کند. اما از آن‌جا که این هنر محصولی سراپا انسانی و غیر قدسی و غیر سنتی است، ممکن است که حرکت آن در مسیر دور کردن مخاطب از ساحت امر قدسی و تعالیم سنتی حاوی آن باشد (نصر، ۱۳۸۱: ۴۹۵-۴۹۴).

با درک تفاوت میان انواع سه گانه هنر در نگاه سنت‌گرایان، که البته قابلیت خلط و تشابه و مسامحه گفتاری را در خود نهفته دارد، اینک به متن فتوت‌نامه‌ها رجوع کرده و تلاش خواهیم کرد تا نظر این متون را در باب هنر مطلوب دریابیم.

۲.۲. هنر در فتوت‌نامه‌ها

می‌دانیم که فتوت‌نامه، رساله یا کتابی است که در باب منش، عقاید و قوانین جوانمردان نوشته شده است. همچنین این متون دربردارنده معنا، تاریخچه، آداب، اذکار و تشریفات پیوستن به سلک فتوت هستند. بی‌گمان مجموعه فتوت‌نامه‌های فارسی، بخش عظیمی از ادبیات عامه ایران محسوب می‌شوند و نمودار فرهنگ توده مردم ما در روزگاران گذشته‌اند. فتوت‌نامه‌ها بخش مهمی از فرهنگ شفاهی، عرفان غیررسمی، ادبیات کلاسیک و تاریخ کهن ایران اسلامی را بازگو می‌کند. از این رو این متون از جنبه‌های مختلف دارای ارزش و اعتبار فرهنگی هستند (افشاری، ۱۳۸۲: ۱). فتوت‌نامه‌ها از یک حیث به دو نوع تقسیم می‌شوند:

قسم اول) فتوت‌نامه‌هایی است که در مقام بیان خصوصیات، ویژگی‌ها، آداب و رسوم و اذکار و تشریفات عامه‌ای اهل فتوت هستند.

قسم دوم) فتوت‌نامه‌هایی که مسائل فوق، پیرامون صنف خاصی از اهل فتوت (که در بسیاری از موارد می‌توان آنان را به معنای امروزی هنرمند نامید) در آن‌ها

فتوت است که به وضوح در آن می‌خوانیم «اگر از تو پرسند که مسلمانی؟ بگو الحمدالله. اگر پرسند از کی مسلمانی؟ بگو از یوم قالوا بلی، اگر پرسند که رواج ایمان تو چیست؟ بگو شهادتین، اگر پرسند مسلمانی چند چیز است؟ بگو پنج: اول توحید، دوم عدل، سوم نبوت، چهارم امامت، پنجم معاد» (همان: ۱۸۸).

۲.۲.۲. دستورات اخلاقی

در این بخش و بر مبنای دانش و عقاید حاصل شده، نسخه‌ای عرضه می‌شود که هنرمند را قدم به قدم در وادی اخلاق و معرفت حرکت می‌دهد. یکی از قوانین و آداب اهل فتوت، لزوم پایبندی به اصول و اخلاقیات است. چنانچه برخی فتوت‌نامه‌ها صفات و رذایلی را ذکر می‌کنند که اگر جوانمردی مرتکب آن‌ها شود، از جوانمردی ساقط می‌گردد. برخی از این امور عبارت‌اند از: زنا کردن، لواط کردن، غمازی کردن، نفاق، ترس، حسد، کینه، دروغ‌زنی، مخالفت، خیانت، نگاه بر نامحرم، عیب‌جویی، بخل، دزدی، حرام‌خواری (نفیسی، ۱۳۸۵: ۱۷۷). مثلاً در فتوت‌نامه طباطبائی می‌خوانیم: «اگر پرسند که استاد به تو در شریعت و طریقت و حقیقت چه گفت؟ بگو گفت: در شریعت استوار باش و در طریقت پایدار باش و در حقیقت خبردار باش» (همان: ۶۷).

به گواه متون فتوت‌نامه‌ها، عرفا برای سلوک اخلاقی پیشه‌وران ابتدا بر خود فرض می‌دانسته‌اند که احکام، آداب و نکات اخلاقی هر حرفه را به پیشه‌ور بیاموزند. به همین خاطر است که بیان نکات اخلاقی، احکام مربوط به حرفه و آداب آن، بخش مهمی از هر فتوت‌نامه را به خود اختصاص داده است. به عنوان نمونه، در فتوت‌نامه معماران می‌خوانیم: «اگر پرسند که چند اصل است بنائی را بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دوم بر جاده راستی بودن، سوم باحیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد مشایخ و بزرگان. اگر پرسند که چند حکم باشد بنائی را، بگو که ده حکم است. اول آن که هر صبح که برخیزد از علم شریعت و طریقت باخبر باشد تا استادی او را مسلم باشد. دوم، هر کس را درخور حوصله و توانایی کار فرماید. سوم، باسقاوت و خیر باشد، چهارم در کار

است و قدوس اعلی را به نور نبوت و کرم فتوت منور کرده است؛ و خدای، خدایی خود را به این دو نور می‌کرد. چون قالب وجود آدم از بیضای کن فیکون در وجود آورد فتوت را نمک وجود آدم کرد» (افشاری، ۱۳۸۲: ۲۸). با این وجود اما این مسأله در همه فتوت‌نامه‌ها مشهود است که جایگاه پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین مقاطع تاریخ فتوت می‌باشد. امام علی (ع) به‌عنوان مظهر و الگوی تام و تمام فتوت و جوانمردی، به اذعان همه فتوت‌نامه‌نویسان و فتوت‌شناسان، نقطه عطفی در تاریخ جوانمردی به حساب آمده است. با این اوصاف، اجمالاً چنین به نظر می‌رسد که فتوت‌نامه‌ها نیز سرسلسله صناعات یا اوصاف مرتبط با آیین فتوت را در شخصیت‌های مذهبی و مقدس جستجو می‌کرده‌اند.

۲.۲. فرآیند و ضوابط تولید هنری

برای بیان راههایی که فتوت‌نامه پیش روی هنرمند قرار می‌دهد تا وی به هدف مطلوب خود و هنر نائل شود، لازم است دستورات فتوت‌نامه را به صورت جزئی و موضوعی مورد تأمل قرار دهیم.

۲.۲.۱. آموزه‌های اعتقادی

به طور کلی فتوت‌نامه می‌کوشد تا پیشه‌ور، صنعت‌گر یا هنرمند را نسبت به معارف الهی آگاه نموده و ایمان وی را در این زمینه افزایش دهد. در علم اخلاق نیز رسم چنین است که سالک باید نسبت به اموری علم داشته باشد و آنگاه با عمل خود طی طریق کند. علم در سلوک اخلاقی صرفاً به معنای دانستن نیست، بلکه ایمان نیز مد نظر و در کانون اهمیت و توجه است. چنانچه وقتی به سالک از مراتب توحید گفته می‌شود، منظور این است که توحید را شناخته و به آن ایمان آورد. نه این‌که صرفاً معلوماتی از جنس آگاهی محض را به وی منتقل شود.

به عنوان نمونه در رساله بیست و سوم کتاب فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه که اصل این فتوت‌نامه، در مجموعه خطی شماره ۸۶۰ کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه مشهد نگهداری می‌شود، فصلی به عنوان ارکان

خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد چنان باشد که از برای خود نماید. پنجم با همه کس به خلق نیکو پیش آید. ششم تنگ‌حوصله نباشد. هفتم فقیر دوست باشد، هشتم کاری‌گرا و زبردستان خود را به نان و جامه شفقت نماید. نهم پسران مردمان را عزیز دارد. دهم آن که در کار خود چست و چالاک باشد» (خان محمدی، ۱۳۷۱).

ادبیات حاکم بر این بخش از فتوت‌نامه‌ها به گونه‌ای است که انگار برای عارف فتوت‌نامه‌نویس، صرف دانستن این آداب نیز دارای اهمیت بوده است. به طوری که اگر صاحب فتوت‌نامه چنین اراده می‌نموده که پیشه‌ور و وظایف شرعی و اخلاقی خود را در اجرای کار بداند، دیگر لازم نبود با تعبیر «اگر پرسند»، «بگو» این مسائل را گوشزد کند. فتوت‌نامه‌نویس می‌توانست بگوید: «بنا باید با حیا باشد»؛ اما انگار عمد دارد که یک بنا نسبت به این امور از آگاهی و اشراف کامل برخوردار باشد.

همچنین در فرهنگ دینی، وقتی فردی از سر اخلاق و ایمان به خداوند، قدمی برمی‌دارد، هر قدم او نیز عبادت و ثواب است. به عبارت دیگر کارهای زندگی انسان مسلمان اگر با نیت الهی و بر وجهی فی سبیل الله باشد، هرچند در ظاهر، شبیه اعمال عبادی نیست، اما چون با نیت رضای خدا، خدمت به خلق و تکامل روحی بوده است، خود عبادتی مستقل محسوب می‌شود. از این‌رو وقتی جوانمرد خود را به اصول اخلاقی مزین می‌کند و وارد حرفه خود می‌شود و همه هدف او برآوردن حاجت خلق و توجه به خدا و ایمان به خالق هستی است، بدیهی است که عمل او نه تنها یک شغل و حرفه، بلکه عبادتی خالصانه محسوب می‌شود. بر این اساس است که گاهی فتوت‌نامه‌ها به این امر توجه داده‌اند که حرفه و هنر آن‌ها خود نوعی عبارت محسوب می‌شود. چنان‌چه در فتوت‌نامه کفش‌دوزان آمده است: «اگر تو را پرسند که کفش‌دوزی و موزه‌دوزی فرض است یا سنت؟ جواب بگو: تعلیم فرض است. چراکه منهای را مهتر جبرئیل تعلیم کرد» (افشاری، ۱۳۸۲: ۶۲).

اخلاق در هنر را گوشزد می‌کند، شناخت مرشد و پیر صاحب حرفه است. فردی که از سویی دارای کمالات اخلاقی است و از سوی دیگر، نخستین کسی که به این حرفه پرداخته و آن صنعت از طریق سلسله اساتیدی که غالباً در فتوت‌نامه‌ها ذکر می‌شود، به او می‌رسد. این پیر و مرشد گاهی پیامبری از پیامبران الهی، گاهی یکی از ائمه معصومین (ع) و گاه اصحاب اهل‌بیت یا عارفی بزرگ بوده است. این بزرگان در تاریخ آن صنف، به‌طور خاص مورد احترام بوده و به نام او شد می‌بسته‌اند و در دعا و گلبانگ از وی نام می‌برده‌اند و در مجموع، آن پیر حامی آن صنعت برشمرده می‌شده است. عبدالباقی گولپینارلی در کتاب خود پیرامون اهل فتوت چنین می‌نویسد: «در فتوت‌نامه‌ای کوچک، به شماره ۳۲۲۵ در کتابخانه ولی‌الدین افندی، برخی از این موارد ذکر شده است. در این فتوت‌نامه در مورد برخی از صنایع افرادی را معرفی می‌کند. او برای صنف قصابان: ابوالمحجن، خیاطان: داود بن عبدالرحمن، شاعران: حسان بن ثابت، جواهرسازان: نصر بن عبدالله، شمشیرسازان: اسیر هندی، سپرسازان: حسن قتال، چاوشان: عمران خزاعی، سنگ‌تراشان: قاسم بن عبدالله، کاسه‌سازان: عبدالفخار مدنی، بنایان: ابومحمد بن عمران قوسی را به‌عنوان پیر و مرشد آن حرفه معرفی می‌کند. علاوه بر این افراد دیگری را نیز معرفی می‌کنند که کمر بسته‌اند و پیر طایفه اصناف هستند. مثلاً سلمان فارسی: آرایشگران، بلال حبشی: مودنان، ابوذر غفاری: پالاندوزان، جوانمرد قصاب: قصابان و...» (گولپینارلی، ۱۳۷۹: ۱۲۱-۱۲۲).

البته ممکن است برخی از این مرشدها خیالی بوده و از نظر تاریخی وجود چنین افرادی اثبات نشده باشد، که همین مسأله را در ادامه مقاله بررسی خواهیم کرد. چنان‌چه شخصیت تاریخی جوانمرد قصاب اثبات نشده است؛ اما به هر حال از باب بیان یک اسطوره و الگوی قراردادی نیز، این امر خالی از فایده نبوده است.

۴.۲.۲. شناخت حلقه‌های واسطه

البته علاوه بر اهمیت دانستن اسامی افرادی که سرمنشأ هر حرفه محسوب می‌شوند، در ادبیات فتوت‌نامه‌ها، دانستن حلقه‌های وصل و اساتیدی که آن

۳.۲.۲. شناخت صاحب حرفه

یکی از نکات بارز در فتوت‌نامه‌ها که به‌خوبی طنین

حقیقت، دانش و علم سالک نسبت به سنت معنوی حرفه خود، می‌تواند مقدم‌های بر عرفان عملی او گردیده و وی را در مسیر تکامل و تخلّق به اخلاق حسنه یاری رساند.

۵.۲.۲. توجه به حکمت حرفه

یکی از جذابترین نکات در فتوت‌نامه که شاید مؤثرترین دستورالعمل‌های اخلاقی نیز محسوب شود، توجه دادن هنرمند به وجوه حکمی ابزار و مواد است. این که می‌بینیم در فتوت‌نامه‌های اصناف، ابزار و مواد و مصالح هنرمند جملگی دارای معنا و رمز است، به این معناست که سالک در سیر الی الله از هیچ چیزی غافل نمیماند و همه چیز را آیت و نشانه خدا و راهی برای رسیدن به کمال مطلق می‌داند.

در مقامات متعددی در فتوت‌نامه‌ها، حکمت برخی ابزارهای هنری بیان شده است؛ که نمونه‌هایی از آن در فتوت‌نامه قصابان، کفش‌دوزان، بنایان، معماران، چیت‌سازان و... موجود است. به‌عنوان مثال در فتوت‌نامه کفش‌دوزان می‌خوانیم: «اگر پرسند که ریسمان و سوزن از که مانده است؟ بگو سوزن از قدرت حق است و ریسمان از حکمت خدای تعالی آفریده شده است. پس خدای تعالی، جبرئیل را فرستاد که از بهشت سوزن و ریسمان به یارا! جبرئیل بر سوزن هفت عدد ریسمان سفید نهاده است. برگرفته و بی‌آورد» (افشاری، ۱۳۸۲: ۵۵).

گاه در بیان حکمت ابزار هنری کار به جایی می‌رسد که نام ابزار نیز دارای معنای رمزی است. البته نه به این معنا که برای نام‌گذاری آن شیء عامدانه رموزی را به کار برده‌اند، بلکه از روی ذوق، عرفا از کلمات و نام‌ها، معانی را به‌حسب هر حرف استخراج کرده‌اند. مثلاً در فتوت‌نامه کفش‌دوزان می‌خوانیم: «اگر تو را پرسند که تخته چند حرف است؟ جواب بگو: چهار حرف. اول «ت» اشاره از توبه. دوم «خ» اشاره از خوف عذاب خدای تعالی. سیوم «ت» اشارت از توکل بر خدا. چهارم «ه» اشاره از هوا؛ یعنی حرص را ترک کردن» (همان: ۵۷).

هرچند گاهی ممکن است حکمت‌های بیان شده مستند به حقایق دینی نبوده و یا توجیهی عقلانی

حرفه را از سرسلسله اول به پیشه‌ور رسانده‌اند نیز دارای اهمیت است. توجه فتوت‌نامه‌ها به سلسله اجداد صنفی و شجره‌نامه حرفه‌ای نیز، بسیار به سنت عرفانی و اهمیت شناخت استاد در این سنت نزدیک است. در بیشتر فتوت‌نامه‌های صنفی، چنین می‌بینیم که فتوت‌نامه‌نویس تلاش داشته تا سلسله اساتیدی را که جملگی آنان نیز از سالکان و عرفا بوده‌اند، به آن پیر و مرشد رسانده و جوانمرد را با همه این افراد آشنا کند. به عنوان مثال در فتوت‌نامه آهنگران می‌خوانیم: «اگر ترا پرسند جمله شاگردان داود پیغامبر (ع) چند نفر بودند؟ جواب بگو سیصد و هفتاد شاگردان پیغمبران مرسل بودند. اگر ترا پرسند که نعل‌بندی که کرده است؟ جواب بگو خواجه داود ملائی کرده است. اگر ترا پرسند که شمشیرگری از که مانده است و نعل‌گری از که مانده است و میخ‌گری از که مانده است و مس‌گری از که مانده است و دم‌گری از که مانده است و رمگری از که مانده است؟ جواب بگو: که کاردگری از استاد سعید خرم مانده است. شمشیرگری از استاد هلال مانده است. و فتکه‌گری از استاد مختار مانده است و تیرگری از استاد خواجه محمد ترمینی مانده است و نعل‌گری از استاد سبحان قلی مانده است و سخت‌گری از استاد شمس کرمانی مانده است و میخ‌گری از استاد نجم‌الدین چهلتی مانده است و قفل‌گری از استاد عبدالله مانده است و زرگری از استاد محمد عراقی مانده است و پتک‌گری از استاد ابوالقاسم مانده است. بدان که هزار استادی که یاد کرده شده است، همه از داود خلیفه‌الله (ع) مانده است تا این زمان، باقی تا قیامت» (افشار، ۱۳۸۲).

بنابراین هنرمند با علم نسبت به این که حرفه او ریشه در سنتی معنوی و اخلاقی داشته و موهبتی از جانب خداوند است، مقدمه معرفت و تفکر اخلاقی خود را هموار می‌دیده است. وقتی هنرمند می‌اندیشد که خداوند اراده نموده و آهن را در دستان داود نرم نموده و حال این موهبت از طریق اساتیدی به وی ارث رسیده است، در می‌یافت که علم و قدرت تنها از آن خداوند است و هر حرفه و صنعت، اراده و موهبت الهی است. لذا چگونه ممکن است هنرمند چنین حرفه‌ای را در مسیر و استخدام اهداف شیطانی و غیر الهی درآورد. در

اگر پرسند چون ماله بر گل کشی کدام آیه از قرآن خوانی، بگو: یا ایهاالذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصحاً؛ و اگر پرسند چون خشت بر یکدیگر نهی کدام آیه خوانی، بگو اذا زلزلت الارض زلزالها» (افشاری و مداینی، ۱۳۸۵: ۲۵۳).

۶.۲.۲. نقش استاد در فراگیری هنر

همچنین در عرفان و اخلاق بارها تأکید می‌شود که سالک باید در مسیر حرکت خود مرشد و سالکی را به عنوان راهنما انتخاب کند. اهمیت استاد و پای نهادن در مسیر وی، یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در کتب اخلاقی و از مبنایی‌ترین اقدامات هر سالک برای قدم نهادن در این مسیر است. لذا همان‌طور که همواره در عالم علم و دانش برای پی بردن به میزان دانش و اصالت هر فرد، به اساتید وی توجه می‌شود، در عالم عرفان و اخلاق نیز اغلب بزرگی یک عارف به میزان بزرگی استاد اوست. همین اصل مهم در فتوت‌نامه‌ها به‌خوبی مراعات شده است. بارها به جوانمردی که قصد گرویدن به حرفه‌ای را دارد، گوشزد می‌شود که باید حرفه خود را نزد استادی صاحب نفس، متخصص و دارای کمالاتی برتر فراگرفته باشد. در این نگرش، هنرمند نمی‌تواند به صورت خودآموز، حرفه‌ای را فرا گرفته و اساساً فاقد هویت و شجره‌نامه باشد. در ابتدای فتوت‌نامه قصابان، برای اهمیت تلمذ نزد استاد می‌خوانیم: «بداند فرزندان و جوانمردان که هیچ کس بی پیر و مرشد و بی استاد نیست. الدعاء: هل اتبعک علی أن تعلمنی مما علمت رشد؛ یعنی تا موسی (ع) خدمت خضر (ع) نکرد، پیغمبری و علم لدنی حاصل نشد» (افشاری، ۱۳۸۲: ۴۶).

۷.۲.۲. هنرهای ممنوعه

این‌که بر هنرمند لازم است با در نظر گرفتن مبانی اخلاقی دست به انتخاب قالب و حرفه خود بزند، یکی از مهم‌ترین نقاط تلاقی اخلاق و هنر از منظر فتوت‌نامه است. یعنی وقتی فتوت‌نامه رعایت اصول اخلاقی را بر جوانمرد لازم نمود و وی را به این آداب مقید کرد، وی را امر به پیشه‌وری و کار می‌کند؛ اما نه هر کاری. بلکه

نداشته باشد، اما از نگاهی دیگر، مسأله قابل توجه فراتر از مصادیق و نمونه‌هاست. این‌که هنرمند خود را دائماً در محضر الهی بداند و همه شئون کاری خود را ریشه در بستری معنوی تفسیر کند، حکمت بیان این قبیل حکمت‌ها بوده است. در فتوت‌نامه سلمانیان نیز می‌خوانیم: «اگر پرسند که تیغ چند است؟ بگو که سه تیغ است. اول تیغ صفا که به دست سلمانیان است؛ که پاک کننده است. دویم تیغ رضاست که به دست سلاخان است؛ که قبول کننده است. سیم تیغ سزا که به دست پادشاهان است؛ که دفع کننده است» (افشاری و مداینی، ۱۳۸۵: ۲۵۳).

در این مسیر، یکی از مهمترین تمارین برای سالک در مسیر تکامل روحی، ذکر و توجه است. سالک همه‌چیز را یادآور خداوند می‌داند و گاه به مقامی می‌رسد که خدا را در همه عالم متجلی می‌بیند. لذاست که در هنگام مواجهه با جهان و هر شیء در آن، به ذکر مشغول می‌شود. در مرصاد العباد آمده است: «بدان که حجب روندگان در نتیجه نسیان است. پس لاجرم در مقام معالجه از شفاخانه قرآن این شربت می‌فرماید که: اذکروا الله ذکرا کثیرا» (رازی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

فتوت‌نامه نیز به هنرمند همین سرمشق را تدریس می‌کند. بر پیشه‌ور فرض است که در هر مقامی از انجام کار خود، ذکر بر لب داشته باشد. نکته قابل توجه در این شاخصه محتوایی فتوت‌نامه، حکمت‌بخشی یا به تعبیر دیگر، بیان حکمت نهفته در اعمال پیشه‌وری و ارتباط معنای اذکار وارده با نفس عمل است. بدین توضیح که در فتوت‌نامه اصناف، اذکار و اورادی که سفارش شده است در بسیاری از مواقع ارتباطی تنگاتنگ با عمل دارد. به‌عنوان مثال در فتوت‌نامه معماران می‌خوانیم: «اگر پرسند چون تیشه به دست‌گیری کدام آیه خوانی، بگو که: یوم یفر المرء من اخیه و امه و ابیه و صاحبته و بنیه. اگر پرسند چون شاقول افکنی کدام آیه خوانی: بگو فمّن یعمل مثقال ذره خیراً یره و من یعمل مثقال ذره شراً یره. و چون پرسند اگر چوب زاویه به دست‌گیری چه گویی، بگو از قرآن می‌خوانم که: یقولون ربنا اتمم لنا نورنا و اغفر لنا آنک علی کل شیء قدیر؛ و

حرفه‌ای که با اصول اخلاقی سازگار بوده و آن صنف از اساس امری اخلاقی بوده و ریشه در سنت اخلاقی و عرفانی داشته باشد.

علاوه بر ممنوعیت هنرهایی که با اصول اخلاقی سازگاری ندارد، فتوت‌نامه‌ها حرف و مشاغلی را که در شریعت اسلامی تقبیح یا تحریم شده‌اند، نیز ممنوع کرده‌اند. مثلاً خنیاگری، ساخت و نواخت آلات موسیقی که جزء حرف و مشاغل ممنوعه محسوب می‌شود، از جمله این موارد است. در فتوت‌نامه ابن معمار بغدادی می‌خوانیم: «و صحیح نیست فتوت زنان و وطنی‌شدگان^۲ و ساحر و پیش‌گو و کسی که خبر از گذشته می‌دهد و چنین می‌پندارد که کواکب او را خطاب قرار می‌دهند (به او خبر می‌دهند) و حوادث را به ستارگان منسوب می‌کند و منجم و سفسطه‌گر»^۳ (ابن ابی‌المکارم، ۱۹۵۸: ۱۷۴). در جای دیگر از همین فتوت‌نامه می‌بینیم که هنرهایی مانند صورتگری، قصه‌گویی، نوازی، شعبده‌گری، دلقک‌بازی، ساختن آلات موسیقی، خنیاگری و رامشگری، فاقد شرایط فتوت‌اند (همان: ۱۷۶-۱۷۸).

با ترسیم نگرش فتوت‌نامه‌ها به هنر و حقیقت و کارایی آن، اینک نگرش این متون را با آراء سنت‌گرایان در باب هنر مقایسه خواهیم کرد تا وجوه اشتراک و اختلاف آنان به بیانی دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

۳. بازخوانی مفاهیم سنت‌گرایان در فتوت‌نامه‌ها

همچنان‌که پیش‌تر اشاره کردیم، در نگاه نخست چنین به نظر می‌رسد که میان نگرش سنت‌گرایان و مؤلفین فتوت‌نامه‌ها انطباق کاملی وجود داشته و هر دو منبع، سخنی واحد را در باب حقیقت و انواع هنر بیان کرده‌اند. اما با تأمل و تحلیل دقیق‌تر، می‌توان وجوهی از عدم تطابق این دو نگرش را نمایان ساخت، که در این‌جا به ترتیب موضوعات مربوطه بیان خواهد شد.

۳.۱. منشاء قدسی هنرها

مطابق ادعای فتوت‌نامه‌ها، نخستین اصحاب فتوت و اولین آورانگان صناعت اولیای الهی بوده‌اند. به عنوان مثال در فتوت‌نامه چیت‌سازان می‌بینیم که تمام مراحل

رنگ‌کردن پارچه، از ورود به کارخانه، جوشاندن کرباس و زاج آب‌کردن تا پایان آن، همراه با بیان آیات و حکمت این امور است. مثلاً رنگ سفید به پیراهن لوط نسبت داده شده است که وی پس از تخریب شهرش چنان گریست که خون به‌جای اشک از چشمانش جاری شد و لباس سفید وی آلوده گشت، از این‌رو وی به درگاه خداوند مناجات کرد و خداوند یک جفت قالب که به رنگ سیاه بود، برایش فرستاد. همچنین در این فتوت‌نامه آمده است که: «خمره رنگ در زمان نوح پیدا شده است و دو تخته صندوق نیز از کشتی نوح پیدا شده است و طغار (طشت گلین) نیز از سنگ حضرت آدم (ع) تراشیده بود» (صراف، ۱۳۵۲: ۲۲۷).

اما با دقت در مدعیات عرضه شده و به خصوص پس از مقایسه آن با کلام سنت‌گرایان در باب منشأ قدسی هنرها، به نظر می‌رسد این ادعا نیازمند جرح و تعدیل است. در واقع هرچند که هر دو گروه برخی از هنرها و صناعات را به قدیسان و پیامبران مستند کرده و مرجع صدور آن‌را به حضرت حق منتسب دانسته‌اند، اما به نظر می‌رسد کلمات سنت‌گرایان در این حوزه قابل دفاع‌تر است. برای توضیح این بیان، یادآوری این کلمات دکتر نصر ضروری است: «یک شمشیر ناب اسلامی یا مسیحی متعلق به قرون وسطی، مصداقی از هنر سنتی است که مبانی و صور هنر اسلامی یا مسیحی در آن تجلی یافته و «تزئینات» آن رمزهایی منبعث از اسلام یا مسیحیت است، اما این شمشیر ارتباط بی‌واسطه‌ای با آداب رازآموزی و مناسک آیینی ندارد. اما شمشیر شینتو در معبد آیز ژاپن به مقوله هنر قدسی تعلق دارد، زیرا شیئی آیینی در آیین شینتو است که بسیار مهم تلقی می‌شود و با سرچشمه الهام آن آیین مرتبط است. همین‌طور خوشنویسی قرآنی در ایران نمونه‌ای از هنر قدسی است، در حالی که مینیاتور هنری سنتی است که به گونه‌ای غیرمستقیم‌تر اصول اسلام را نمود می‌بخشد» (نصر، ۱۳۸۹: ۷۹).

در واقع تأکید سنت‌گرایان بر وجه آیینی و وحیانی هنرهای مقدس، مدعای آنان را محدودتر و قابل دفاع‌تر ساخته و کم‌تر از آن‌چه در فتوت‌نامه‌ها شاهدیم، مجالی را برای استحسانات صاحبان حرفه‌ها، یا تعمیم‌های

۳.۳. عرفی شدن هنرها

حرکت فتوت نامه‌ها در جریان پر پیچ و خم تاریخ، سرنوشتی دور از انتظار را برای برخی از آموزه‌های آنان پدید آورده است. از جمله مواردی که اگر به دقت سنجیده شوند، محل عبرت و تأمل خواهند بود، نگرش این متون به مشاغل ممنوعه و افزودن و کاستن از تعداد و انواع این مشاغل، یکی از همین موضوعات مناقشه برانگیز است. مشکل از جایی آغاز می‌شود که به گواه تاریخ، گاهی مبنای تشخیص اخلاقی و غیراخلاقی بودن برخی حرفه‌ها به نوعی ذوق و استحسان بوده است نه حقیقتاً حسن و قبح عقلی؛ که این مسأله جای اشکال گرفتن به فتوت نامه‌ها را نیز باز می‌کند. به عنوان مثال اموری مانند قصابی، جراحی و صیادی سزاوار جوانمردی و فتوت محسوب نمی‌شود (نفیسی، ۱۳۸۵: ۱۶۴). در حالی که این مشاغل و اصناف نه از نظر شرع و نه از نظر اخلاق و نه حتی عرف، امری قبیح محسوب نمی‌شوند؛ اما در فتوت نامه‌ای همچون فتوت نامه ابن معمار، برخی مشاغل ممنوع شمرده شده و دلیلی نیز بر آن ذکر نشده است. مهران افشاری در مقدمه فتوت نامه قصابان می‌نویسد: «ظاهراً در دوره‌های گوناگون تاریخ، اصناف مردود نزد جوانمردان یکسان نبوده‌اند و چه بسا صنفی در دوره‌های و در سرزمینی مردود شمرده می‌شده و در دوره‌های دیگر و یا سرزمینی دیگر شایسته فتوت داری به حساب می‌آمده است. چنان‌که برخلاف گفته ناصری که صنف قصابان را شایسته فتوت داری ندانسته است، در عهد صفویه این صنف نیز دارای سازمان جوانمردی بوده است» (افشاری، ۱۳۸۲: ۴۴).

البته احتمال دیگری که دور از واقعیت نیست، این است که شاید هم باقی ماندن تأثیراتی از سایر ادیان و گرایش‌های معنوی، باعث قبح برخی از حرف خاص می‌شده است. به عنوان مثال در دوره ساسانیان، طبق فتوای موبدان زردشتی، اجزای بی‌جان بدن انسان مانند مو، دندان و خون، هرگاه از انسان جدا می‌گشته، ناپاک محسوب می‌شده است. بر اساس این اعتقاد، پیرایشگران که موی سر را می‌چینند و می‌پیرایند، گنه‌کار محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد که پیش از اسلام، به همین سبب در جامعه ایرانی، پیشه پیرایشگری و سلمانی

بی‌وجه گشوده است. با این توضیح، پذیرش قدسی بودن برخی از هنرها مطابق ایده سنت‌گرایان، به مراتب آسان‌تر و استوارتر از سخنی است که از سوی فتوت نامه‌ها بیان شده و با اندکی تسامح همه حرفه‌ها، هنرها و صناعات مشروع را به یکی از قدیسان منتسب ساخته‌اند. بنابراین هرچند که اصل مدعای سنت‌گرایان و فتوت نامه‌نگاران در باب منشأ قدسی هنرها مشترک است، اما دامنه سخن آنان هم‌عرض نبوده و از این حیث، سخن سنت‌گرایان سازوارتر و مستندتر تلقی می‌شود. این درست برخلاف مدعای فتوت نامه نویسان است که تمامی هنرها را از نوع مقدس پنداشته و به صورتی غالباً غیرمستند به متون دینی یا آموزه‌های کلامی، برای آن منشأ تراشیده‌اند.

با قبول اختلاف سخن این دو گروه در مصادیق هنر مقدس، می‌توان نظر آنان را در باب کارکرد سنتی هنرها دنبال کرد.

۳.۲. کارکرد سنتی هنرها

علی‌رغم اختلاف دیدگاهی که در تلقی موارد هنر قدسی وجود دارد، به نظر می‌رسد کلمات سنت‌گرایان و فتوت نامه‌نگاران در کارکرد سنتی هنرها مشترک است. هر دو نگرش بر ضرورت استفاده از ظرفیت‌های هنر و صناعت در ذکر خاطره امر قدسی و حرکت بر مدار سنت برای ایصال به حقیقت تأکید دارند. با نظر به آنچه تاکنون گذشت، به روشنی می‌توان از اهمیت هنر در پرورش شخصیت سالکان صراط حق سخن گفته و کارکرد حقیقی و سنتی را دریافت. لذا با آن که دو نگرش مذکور در دامنه مقدس شمردن هنرها همراه هم نیستند، اما در باب نحوه استفاده از هنر و صفات لازم برای هنرمند و مواردی از این دست، کلمات آنان با هدف و آهنگی واحد جریان می‌یابد.

با این حال، در بحث از عرفی شدن هنرها- یعنی آنچه در گذر ایام به نام سنت یا فتوت به ثبت رسیده است، می‌توان بار دیگر شکاف‌هایی را در فتوت نامه‌ها مشاهده کرد که با ایده‌های مطلوب سنت‌گرایان از اساس متفاوت است.



ناپسند به شمار می‌آمده است و ظاهراً صاحبان این پیشه را به دیده تحقیر می‌نگریسته‌اند. تا اواخر دوره قاجاریه، سلمانیان، همان دلاکان و کارگران حمام بوده‌اند و فرد حمامی چندین کار از قبیل سر تراشیدن، کیسه‌کشی، دندان‌کشی و حجامت‌کردن، انجام می‌داده است (همان). بنابراین بعید نیست که قبح برخی از حرف و مشاغل که ممکن است برای ما منبعی عقلی یا شرعی نداشته باشد، بدین ترتیب توجیه شود.

احتمال سومی نیز در این باره وجود دارد که به نوبه خود، قابل توجه است. با توجه به این‌که بسیاری از فتوت‌نامه‌های صنفی را صاحبان صنوف نگاشته و تدوین نموده‌اند، این مسأله نشان می‌دهد که جریان فتوت‌نامه‌نویسی خصوصاً برای اصناف، یک مرام و رسم درون‌صنفی بوده و هیچ رابطه‌ای با سایر فتوت‌نامه‌های صنفی برقرار نکرده است. به عبارت دیگر نمی‌توان گفت مرجع واحد و متمرکزی بر نظارت و یکپارچه‌سازی فتوت‌نامه‌ها وجود داشته باشد. بلکه همواره صاحبان صنوف، با استناد به دانسته‌های خود، برای اعضای جرگه خود، آدابی را وضع می‌نموده‌اند. حال ممکن است شغلی از منظر فردی که دست به فتوت‌نامه‌نویسی می‌زند، خلاف فتوت باشد، اما صاحبان آن صنف خارج از فتوت، برای خود فتوت‌نامه داشته باشند.

همچنین صاحبان اصناف برای این‌که شرافت و منزلت شغل خود را نمایان کنند، دست به ساختن اسنادی برای مشاغل خود زدند. مثلاً سلمان‌ها گفتند که ما به روش سلمان فارسی؛ هستیم. چراکه او به اصلاح موهای مبارک رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) می‌پرداخته است. قصاب‌ها پای شخصیتی موهوم و افسانه‌ای به نام «جوانمرد قصاب» را به میان کشیدند؛ که قصه او در تعزیه‌ها رواج داشته است. این امر تا حدی دارای ارزش می‌شود که در برخی مقاطع سلاطین نیز به یادگیری حرفه و صنعتی می‌پرداخته‌اند و از پی آن، سندسازی‌ها به صبغه سیاسی هم آغشته شده است. چنانچه علاءالدین کیقباد سلجوقی (م ۶۳۴)، در عمارت و صنعت و سکاکی و نحاتی و نجاری، رسامی و سراجی، مهارت‌های زیادی کسب می‌نماید. البته باید به این نکته نیز توجه داد که فتوتی که در اصناف رواج داشته است،

نه به طور کلی حامل جنبه‌های صوفیانه فتوت بوده است و نه جنبه‌های عیاری. بلکه حالتی بین این دو را به خود گرفته است (ریاض، ۱۳۸۲: ۱۱۲-۱۱۵).

پیرامون انحرافات مشاهده شده در رفتار مدعیان فتوت نیز، شواهدی در دست است. به‌عنوان مثال در شرح حال عیاران آمده است که ایشان از ثروتمندان می‌دزدیده و به نیازمندان می‌بخشیده‌اند (افشاری و مداینی، ۱۳۸۵: ۱۵). ابن بطوطه نیز در سفرنامه خود از فردی به نام جمال سجستانی یاد می‌کند که به راهزنی مشغول بوده و از ثروت به دست آمده خانقاهی می‌ساخته و مسافران و در راه ماندگه را پذیرایی می‌نموده است (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۳۰۴). از سوی دیگر گسترش آیین فتوت در سرزمین‌های مختلف باعث شد گرایش‌های سیاسی و مذهبی و عقیدتی در آن مؤثر واقع شده و احزاب و فرقه‌هایی در بطن فتوت پدید آید (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۶۲).

از کلمات پیش‌گفته می‌توان به این نقطه رسید که هرچند سخن فتوت‌نامه‌نویسان با آراء هنری متفکرین سنت‌گرا اجماً هم‌گام و هم‌مسیر است، اما کلمات آن‌ها در شناخت تفصیلی انواع و مصادیق هنر گاه متفاوت بوده و در مجموع نمی‌توان آن‌ها را عین یکدیگر تلقی کرد؛ هرچند که شباهت‌های موجود نیز، به خصوص در بحث از کارکرد مطلوب و بایسته هنر، قابل توجه است.

۴. ملاحظات انتقادی

با مروری بر نگاه سنت‌گرایان و فتوت‌نامه‌ها به هنر و صنعت، می‌توان به قضاوت در باب این دو مسلک فکری و طریقت عملی پرداخت. شاید مهم‌ترین نقطه قوت این دو اندیشه در ساختار نسبتاً منظم و کاملاً خوش‌آهنگ آنان باشد. به واقع این دو نگرش، که نقاط اشتراک افتراق آنان از نظر گذشت، در این خصیصه اشتراک دارند که قوام خود را (البته همچنان که خواهیم گفت: به شکلی غیرمستقیم) از نگرشی جامع و نظام‌وار به هستی و هنر اخذ کرده‌اند. این متون علی‌رغم اختلاف مراتبی که از حیث قدرت رجوع به منابع دست اول در آنان مشهود است، در فضیلت برخوردار از انسجام فکری قابل توجه هستند. با این حال، از کنار کاستی‌های این

دو نگرش نیز نمی‌توان به سادگی گذشت، که به بیان زیر به شرح آن خواهیم پرداخت.

۱.۴. ضعف استناد به منابع دینی

یکی از کاستی‌های موجود در تفکر سنت‌گرایان، که در متن فتوت‌نامه‌ها نیز نمایان است، کمبود استناد به منابع دست اول دینی است. البته باید توجه داشت که- همچنان‌که پیش‌تر بیان کردیم- اندیشه اصحاب جریان سنت‌گرایی از حیث استحکام علمی و اعتبار نهادی، بسیار برجسته‌تر از نگاه‌های صاحبان حرف است. اما با مرور تفصیلی آثار هر دو گروه، به روشنی می‌توان عدم آگاهی تفصیلی بسیاری از آنان را نسبت به قرآن و سنت اجتهادی دریافت.

هرچند سنت‌گرایان به دین اسلام اهتمام خاصی داشته و در آثار خود اسلام را به عنوان یک سنت مهم و تاثیرگذار مورد توجه قرار داده‌اند، اما تقریباً هیچ یک از آنان یک عالم دینی- به معنایی که نزد پیروان یک دین موضوعیت یافته- نبوده و نیستند. در حقیقت اهتمام تکثرگرایانه سنت‌گرایان به مخرج مشترک ادیان، هرچند گیرایی و فراگیری کلام آنان را افزوده، اما گاهی هم غفلت از ارجاع و استناد مستقیم به متون دست اول دین اسلام- قرآن و سنت- را در پی داشته است. این غفلت می‌تواند باعث پنهان ماندن ابعاد اختصاصی اندیشه اسلامی شده و در عمل، سنت اسلامی را ذیل عنوانی کلی‌تر مندرج نماید. لذا در جهت تکمیل تلاش سنت‌گرایان، بازبینی بحث «هنر از نگاه قرآن و سنت»، پژوهشی است که می‌تواند در عین تأیید شاکله و عصاره سخن اصحاب جاودان خرد، مدعیات مطرح شده در این گفتمان را نیز تحت نظارت و استظهار کتاب آسمانی مسلمانان قرار دهد.

پیداست که اشکال پیش‌گفته، در خطاب با اکثر مؤلفین فتوت‌نامه نیز به وجهی افزون‌تر نمایان است. به گواه تاریخ، نویسندگان این متون از عالمان دینی زمان خود نبوده‌اند و در بهترین قرائت، آموزه‌هایی را که از عالمان اطرافشان آموخته‌اند به بیان و زبان خود به رشته تحریر کشانده‌اند و همچنان‌که دیدیم، این تالیف و تحریر هم به دام عرف و منفعت افتاده و مشکلاتی را در این متون پدید آورده است.

در واقع هرچند تلاش برای عملی ساختن آموزه‌های متون مقدس به جای خود ارزنده و آموزنده است. اما آنچه این تلاش‌ها را به مرور ابتر خواهد ساخت، خلط محصول پدید آمده از سوی مومنان، با متن اصلی و تفاسیر معتبر دینی است. این آفت که بر اثر حرکت فتوت‌نامه‌ها در رهگذر تاریخ کم و بیش رخ داده است، می‌تواند موجب حاشیه‌نشینی آموزه‌های معتبر دینی شده و محصولی شبیه هنر دینی معاصر غرب را- که دکتر نصر صراحتاً بدان معترض است- پدید آورد. با این حال، همچنان‌که اشاره شد، اصل این تلاش‌ها (هم از جانب اهالی فتوت و هم از سوی احیاگران سنت در قرن بیستم) اجمالاً قابل قبول و البته با استظهار به منابع دست اول دینی، تفصیلاً قابل تقویت و پیرایش است. اما علاوه بر اشکالات به اصطلاح درون دینی، از منظر عقل نقاد دوران مدرن نیز می‌توان در برابر محتوای عرضه شده از سوی فتوت‌نامه‌ها و سنت‌گرایان پرسش‌هایی را مطرح ساخت.

۲.۴. ضعف در مستدل ساختن مبانی

از منظری فلسفی‌تر نیز می‌توان دشواری‌های تازه‌ای را در دو میراث (سنت‌گرایان و فتوت‌نامه‌نویسان) مشاهده کرد. در این منظر، ضمن تأکید بر اختلاف مراتب واضح میان متفکرین ممتاز، با صاحبان حرف که بعضاً دست به کار تألیف فتوت‌نامه شده‌اند، می‌توان بحث فلسفی تفصیلی‌تر را مطالبه کرده و جای خالی آن‌را یادآور شد. در واقع مشکل هر دو میراثی که از نظر گذرانندیم، گذر زود هنگام از تنقیح مبانی فلسفی هنر مطلوب خود بوده است. این مشکل زمانی برجسته‌تر می‌شود که آثار سنت‌گرایان و فتوت‌نامه‌های موجود را با نگاه‌های فلسفی- هنری دوران مدرن و به ویژه با سه نقد مشهور کانت مقایسه کنیم. با ملاحظه نقد کانت- ضمن مسکوت نهادن داوری در باب محتوای آن- به روشنی در می‌یابیم که بحث این فیلسوف از مبانی معرفتی و وجودی مشخص آغاز شده و به نتایجی متناسب منتهی می‌گردد. این در حالی است که تقریباً تمامی آن‌چه تا کنون از نظر گذرانندیم، ضمن این که به سهم خود از انسجام و انتظام بهره برده‌اند، دست‌کم از

نتیجه‌گیری

از مقایسهٔ تعالیم سنت‌گرایان با آنچه در فتوت‌نامه‌ها به ثبت رسیده می‌توان به این نتیجه رسید که هرچند فتوت‌نامه‌ها به امر قدسی التفات داشته و در پی محقق کردن جلوه‌های آن در صناعات و هنرها هستند، اما منتسب کردن محصولات آنان به هنر مقدس، با دشواری‌های بسیاری همراه است. این متون در نهایت به تولید هنر سنتی توجه نشان داده‌اند و البته بر اثر تحریفات تاریخی و دور شدن از منابع اصلی تفکر و دین‌ورزی، گاه محصولات یا حتی تعالیم خود را به مرزهای هنر دینی - به معنایی که طبق تفکر سنت‌گرا فاقد وجه قدسی و سنتی است - نزدیک ساخته‌اند.

همچنین باید توجه داشت که گفتمان سنت‌گرایان و آثار موسم به فتوت‌نامه‌ها، علی‌رغم دلنوازی کم‌نظیر و انسجام نسبی‌شان، همچنان نیازمند نقد و بازبینی و توان‌بخشی خواهند بود. در حقیقت آنچه سنت‌گرایان نگاشته‌اند، قرائتی عمدتاً آزاد از متن دینی است، که هرچند انتظام و جاذبه‌ای شعرگونه دارد، اما هم از منظر درون‌دینی و هم از منظر عقل نقاد امروزی، با حفره‌ها و گره‌هایی همراه است.

اگر با دیدهٔ انصاف به فتوت‌نامه‌ها بنگریم، لازم است تا آنچه در باب هنر و به خصوص مبدأ مشترک هنرها و قدیسان آورندهٔ این تعالیم ذکر شده، به سنت معتبر دینی عرضه شود و استحکام خود را نه از ذوق و استحسان، بلکه از نصّ یا ظاهر متون مقدس دریافت کند. همچنین لازم است تا پژوهشگران با لحاظ کردن شرایط تاریخی خاص، نقش حاکمان و جاعلان را نیز در شوراندن مخاطبین خود یادآوری کرده و مصادیقی از آن را در فرازهای پر افت و خیز تاریخ اسلام و ایران کند و کاو نمایند.

با بازخوانی دقیق، عقلانی و نصّ محور تعالیم مندرج در فتوت‌نامه‌ها و ایضاً در باب اندیشهٔ سنت‌گرا، می‌توان ضمن حفظ شاکلهٔ استوار و قابل قبول این تعالیم، از رسوخ حشو و زوائد نیز پیشگیری کرده و در عین استحکام بخشی به مضامین آن‌ها، سدی را در برابر سوء استفاده از این میراث ارزنده برافراشت.

حیث‌روشن‌ساختی و در مقام تنقیح مبانی نتوانسته‌اند بر گفتمان فلسفی - هنری رقیب، که بسیاری از پیش‌فرض‌های آنان را به چالش می‌کشد، فائق آیند. به واقع هرچند متفکرین سنت‌گرا به مبانی هستی - معرفت‌شناختی مواضع خود آگاه‌اند و بعضاً گفتمان رقیب را نیز به خوبی درک کرده‌اند، اما در کلمات آنان کم‌تر میل گفتگوی «فلسفی» با موضع مخالف را شاهد بوده‌ایم. آنچه بیش‌تر قابل مشاهده است، تکرار مفروضات و آرمان‌ها بوده که هرچند به سهم خود مفید و منشأ اثر است، اما در مقام نظریه‌پردازی فلسفی و در مصاف با گفتمان غالب عصر تجدد، می‌توان نوعی غفلت از مباحثه فلسفی تلقی شود. این درست است که معطل نهادن گفتگو با اندیشه‌های عصر تجدد در متن فتوت‌نامه‌ها، به سبب تأخر تاریخی، امکان‌پذیر نبوده است. اما از اصحاب جریان موسوم به سنت‌گرایان که تقریباً تمامی آن‌ها تحصیل کردهٔ محافل آکادمیک غربی هستند، این انتظار وجود داشته و هنوز هم وجود دارد که بحثی مقایسه‌ای را میان مبانی فلسفی - هنری سنت و تجدد (با هر تعریفی که از دو مفهوم اخیر دارند) آغاز نمایند.

در نهایت چنین به نظر می‌رسد که گشایش گفتگوی فلسفی میان فلسفهٔ هنر سنتی و متجدد، ساختار منسجم و حفره‌های محتمل هر دو نگرش را نمایان ساخته و البته با توقعی خوش‌بینانه، به سطح بازبینی و اصلاح نیز خواهد رسید. و البته همچنان که پیش‌تر اشاره شد، در سوی دیگر این ماجرا هم استناد درون‌دینی مدّعیات عرضه شده در نگرش سنتی و فتوت‌نامه‌ای، به کشف ابعادی تازه از مضامین همیشه جاودان ادیان منتهی خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. «فأول من اجاب الى دعوة الفتوة... آدم بديع الفطرة... و قبل بها هابيل لما طرد عنه قابيل و دام بحقها شيث و نزهها عن كل امر خبيث و رفعها الى المكان العلى ادريس فنجا من كيد ابليس.
۲. مُحَنَّث در فرهنگ لغت به چند معناست: ۱. پسر بچه یا پیرمردی که مفعول دیگران واقع شود. ۲. عامه مردم این کلمه را در مورد فرزند کم‌احتشام و بد پرورش یافته استعمال می‌کنند. ۳. به معنی هیز. یعنی کسی که او را به دست‌کاری از رجولیت ساقط کرده باشند (دهخدا، ذیل واژه).
۳. «و لا تصح فتوة المرأة و المخنث...؛ و الساحر و الكاهن و من يخبر عن الماضي و من يزعم أن الكواكب تخاطبه ينسب الحوادث الى فعل الكواكب... و المنجم... و السفاسطه...»

کتابنامه

- ابن ابی‌المکارم، شیخ ابی‌عبدالله (ابن‌معمار بغدادی حنبلی) (۱۹۵۸). کتاب الفتوة، بغداد: مکتبه المثنی، مطبعة شفيق.
- ابن بطوطه، محمد بن عبد الله (۱۳۶۱). سفرنامه (رحلة ابن بطوطه)، ترجمه دکتر محمدعلی موحدی، دوره دو جلدی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- افشار، ایرج (۱۳۸۹). «فتوت‌نامه آهنگران»، ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۲.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۹). در جستجوی امر قدسی (گفتگو با سیدحسین نصر)، تهران: نی.
- خان‌محمدی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). «فتوت‌نامه معماران و بنایان»،

- نشریه صفا، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، دوره دوم، شماره ۵.
- رازی، نجم‌الدین (۱۳۸۸). گزیده مرصاد العباد، انتخاب و مقدمه دکتر محمدمین ریاحی، تهران: علمی.
- ریاض، محمد (۱۳۸۲). فتوت‌نامه تاریخ، آیین آداب و رسوم، به انضمام رساله فتوتیه میر سید علی همدانی، تهران: اساطیر.
- سلمی، ابوعبد الرحمن (۱۳۸۵). جوانمردی و جوانمردان (کتاب الفتوه)، ترجمه قاسم انصاری، قزوین: حدیث امروز.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۶). قلندریه در تاریخ، تهران: سخن.
- صراف، مرتضی (۱۳۵۲). رسائل جوانمردان مشتمل بر هفت فتوت‌نامه، تهران: انیستیتو فرانسوی پژوهش‌های علمی ایران.
- گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۹). فتوت در کشورهای اسلامی، ترجمه دکتر توفیق سبحانی، تهران: روزنه.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۲). جاودان خرد (مجموعه مقالات)، به اهتمام سیدحسن حسینی (۳ مجلد)، ج ۱، تهران: سروش.
- _____ (۱۳۸۳). سنت عقلانی اسلامی در ایران، ترجمه، تحقیق و تحشیه: سعید دهقانی، تهران: قصیده سرا.
- _____ (۱۳۸۸). معرفت و امر قدسی، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران: فرزبان روز.
- _____ (۱۳۸۹). هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: حکمت.
- _____ (۱۳۸۱). معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۵). سرچشمه تصوف در ایران، تهران: اساطیر.